

## "معامله کثیف"، "خرید سکوت" و پایان سلطه پترودالر از نوترسیم نمودن نقشه بی امنیت ترین منطقه جهان حکومت قانون یا حکومت بر بنیاد قانون؟

نیاز راه حل های جدید برای دوره جدید  
روایت تازه از مناسبات میان کشورها  
چگونگی اوضاع افکار عمومی  
جبهه منفور

پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳، پیمان پترو دالر میان ایالات متحده و عربستان بگونه رسمی شکل گرفت. این فراد داد تصریح میکرد که عربستان صادرات نفت خود را منحصرأ به دالرامریکایی قیمت گذاری نموده و درآمد های نفتی مازاد خود را در اوراق قرضه خزانه داری ایالات متحده سرمایه گذاری کند. این توافق دهه ۱۹۷۰ پس از آنکه ایالات متحده ستاندارد طلا را کنار گذاشت، شکل گرفته و منجر به عقد معامله مهمی با عربستان گردید که تأثیرات گسترده ای بر اقتصاد جهانی داشت. در مقابل، ایالات متحده دفاع و حفاظت نظامی از عربستان سعودی را تضمین کرد. این توافق دو جانبه منافع هر دو طرف را به همراه داشت. اما تاریخ ۹ ماه جون سال ۲۰۲۴، بمثابه نقطه عطفی در تاریخ مالی جهان محسوب می گردد. چه، اصطلاح پتر و دالر نقش دالر امریکایی بمثابه ارز مورد استفاده برای معاملات نفت خام در بازار جهانی اشاره دارد.

موضوعات و مسایل مطرح در بحث حاضر از چگونگی تعامل کشورهای آسیای مرکزی با "طالب" ها آغاز مینماییم که بخودی خود، چه در عرصه روابط بین المللی و چه در بخش مربوط به منطقه، از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد. در وضعیت و شرایط مشخص و منحصر بفردی، "طالب" ها شریک و متحدی بمنظور اتصال اقتصادی، تأمین ثبات در منطقه و بمثابه نیروهای ضد تروریستی پنداشته می شدند، در حالت اینچنینی بود که دیدگاه عمومی زما مداران اسلام آباد تحت تأثیر مستقیم روابط و مناسبات تاریخی، اولویت های ستراتیژیک و نگرانی های گسترده و مبرم امنیتی آنکشور با افغانستان شکل گرفت. در کنار سایر کشورهای آسیای مرکزی، این پاکستان است که بگونه تب آلودی بدنبال تداوم تجارت، اتصال منطقوی و وسعت همکاری های امنیتی و تحفظی بویژه با میهن عزیز ما می باشد. با وجود اینهمه، واقعیت های موجود و تهدیدهای مطرح امنیتی کنونی، می طلبد تا بگونه عملگرایانه ترو محتاط ترو با اقدامات عملی و مؤثرتری در زمینه پراتیک اجتماعی مبادرت ورزید. اما در مورد چگونگی مرادوات و تعامل دول کشورهای آسیای مرکزی با "طالب" ها بایست یاددهانی بعمل آید که بویژه از منظور دیدگاه منافع اقتصاد دی و زیربنایی، این کشورهای آسیای مرکزی اند که کشور عزیز ما افغانستان را بمثابه پل ارتباط دهنده اقتصاد خویش با آسیای جنوبی، بویژه با هند و پاکستان تلقی می نمایند. بخاطر ما باشد که عمده ترین عامل و مهمترین انگیزه آنها در امر تعامل با "طالب" ها، موجودیت و مطرح بودن برنامه های تجاری و انرژی تلقی می گردد که بنحوی از انحاء و بیشکلی از اشکال، نفع کل منطقه در آن نهفته می باشد. برنامه های یادشده، در بسا موارد و از بسیاری جهات و بویژه از رهگذر تمایل و جانبداری پاکستان عمدتن بمنظور سهمگیری در امر ادغام اقتصاد منطقوی پنداشته می شود.

در مورد یادشده در فوق، حتمی و لازمی پنداشته می شود تا در باره موضوع متذکره، توجه جدی و همه جانبه ای معطوف گردد، از جمله:

- خط راه آهن و سایر مسیرهای تجاری که در وضعیت و شرایط کنونی و در حال حاضر، دولت ازبکستان در مورد خط آهن سراسری در کشور عزیز ما که ترمز ازبکستان را از طریق مسیر ولایت مزار شریف - کابل به بنادر دریایی پاکستان و از طریق کشور عزیز ما را به شبکه های تجاری منطقوی وصل می نماید. پاکستان از ابتکار اینچنینی بمتأبه بخشی از تحقق چشم انداز و دورنمای برنامه هایش بمنظور اتصال منطقوی، بگونه همه جانبه ای حمایت می نماید.

"تایی" که کشور ترکمنستان در امر امتداد خط لوله یادشده و عده سرمایه گذاری ۱۰ میلیارد دالری را نموده - خط لوله گازی یادشده از ترکمنستان آغاز و کشور یادشده را از طریق افغانستان - پاکستان به هند وصل می نماید.

جانب "طالب" ها نیز قول داده اند که بمنظور تأمین امنیت خط لوله یادشده، بتعداد ۳۰ هزار تن از نیروهای امنیتی را اعزام خواهند نمود. اسلام آباد نیز از جمله سهم گیرنده ها در برنامه یادشده بوده و بمنظور تأمین انرژی برای آن کشور، به تطبیق عملی ساخت و ساز آن اهمیت ویژه و منحصر بفردی قایل می باشد.

- انتقال برق یا برنامه "کاسا ۱۰۰۰" که بابت کارور هبری تاجیکستان و قرغیزستان، عمدتاً بمنظور صدور برق مازاد از طریق کشور عزیز ما بکشورهای آسیای جنوبی اجراء می گردد که قبل از همه و بیشتر از سایر کشورهای منطقه، در تأمین نیازمندی های پاکستان بانرژی برق مفید و موثر خواهد بود.

و اما در مورد سیاست تجاری قزاقستان بایست یادآور گردید که علیرغم موضعگیری های محتاطانه کشور یادشده به منظور وسعت و گسترش تجارت و افزایش سرمایه گذاری، "طالب" ها را از فهرست گروه های ممنوعه در آن کشور حذف نموده است. اقدام یادشده بمفهوم وسیع کلمه، موازی و هممنوا با تلاش های پاکستان بمنظور حفظ تجارت فرامرزی و ثبات اقتصادی اتخاذ گردیده و این درحالیست که دول کشورهای آسیای مرکزی بگونه فعالی ابتکارات یادشده را دنبال نموده اند. پاکستان نیز در امر توسعه و گسترش همکاری های مشابهی تلاش بعمل آورده است.

پاکستان در قبال وضعیت امنیتی و موجودیت نگرانی های گسترده منطقوی، بویژه بمنظور عدم وارد نمودن خدشه ای بامنیت ملی آن کشور در قبال وضعیت یادشده، بدنبال عملکردهای متعادل تری بهدف تعامل های اقتصادی می باشد. ملاحظات در بخش های امنیتی و ثبات در مرزها، این واقعیت را بیش از هر زمان دیگری برجسته می سازد که با وجود آنکه دول کشورهای آسیای مرکزی در اول امر، از عودت "طالب" ها خرسند نبوده و بهرأس سراپای شان را فرا گرفته بود، اما با گذشت زمان و پس از مدتی، تعامل با "طالب" ها را بمتأبه وسیله ای بمنظور تأمین امنیت پایدار در داخل کشورهای شان تلقی نمودند. چگونگی رویکردها و مشخصه عملکردهای دول یادشده بوسیله موارد ذیل مشخص می گردد:

- جلوگیری و ممانعت از گسترش افراط گرایی. با وجود تشویش ها و نگرانی های نخستین مبنی بر پناه دادن تعدادی از گروه های تروریستی بین المللی از قبیل "القاعده"، "جنبش اسلامی ترکستان شرقی" و "تحریک طالب های پاکستان"، اما نفوذ و پخش و گسترش افراط گرایی بویژه در سرزمین و اراضی آسیای مرکزی بمفهوم اخص کلمه، اصلن به مشاهده نرسیده است.

با وجود اینهمه، چگونگی وضعیت میان نیروهای امنیتی "طالب" ها و نظامیان کشورهای آسیای مرکزی، بویژه در امتداد مرزهای تاجیکستان و ترکمنستان، نشان دهنده موجودیت تنشهایی بوده و بازگویی چگونگی وضعیت خطر آفرین می باشد. پاکستان نیز در امتداد مرزهای جنوبی و شمالی اش با مشکلات امنیتی فراوانی دست و پنجه نرم می نماید.

- در مورد مدیریت مرزها و چگونگی مهار مهاجران و پناهنده ها بایست متذکر گردید که دول کشورهای آسیای مرکزی با سعی و تلاش فراوانی، امنیت مرزهای شان را تأمین نموده و از هجوم پناهنده ها و مهاجران بکشورهای یادشده جلوگیری بعمل آورده اند. پاکستان در وضعیت کنونی نیز اقدامات مشابهی را از قوه بفعل مبدل نموده است. اما به تهدیدهای امنیتی فرامرزی که معضلات بیشماری را ایجاد می نماید، نباید کم بها داده شود.

- درباره مبارزه و مقابله با تهدیدهای مشترک، تذکراتی مسأله درخور اهمیت پنداشته میشود کاصل تعامل با "طالب" ها، این امکان را برای کشورهای یادشده میسر مینماید که در امر مبارزه با تروریسم، بویژه علیه "داعش خراسان" که با هردو جانب خصومت و دشمنی دارد، تضمین هایی ارائه گردد. اما پاکستان بدلیل اقدامات و عملکردهای تنها جمعی که توسط گروهها، بویژه بوسیله گروه "تحریک طالب های پاکستان" صورت عملی بخود می گیرد، موضع سر سختانه تری باید اتخاذ نماید.

درباره عوامل دیپلماتیک و ژئوپولیتیکی همینقدر باید گفت که دول کشورهای آسیای مرکزی، بعوض رویارویی ها،

از طریق استفاده از وسایل و راهای دیپلماتیک در صدد شکل دادن و آرایش نیروها در آینده کشور عزیز ما افغانستان می باشند. پاکستان با حفظ و تداوم تعامل با "طالب" ها، در کنار همکاری های اقتصادی پر همکاری ها و هم یاری ها در بخش های امنیتی نیز بگونه جدی تأکید می نماید.

در مورد مسایل قبیلن گفته آمده، به فاکتورهای ذیل باید توجه مبذول گردد:

- استقلال و خودارادیت منطقوی برخلاف آنچه در دهه ۹۰ تا ۹۹ رخ داد، یعنی در مقطع زمانی که دول کشورهای آسیای مرکزی با "طالب" ها مخالفت می ورزیدند، اما در وضعیت و شرایط کنونی باصل تعامل عملی با "طالب" ها ارجحیت قایل می گردند. پاکستان بر بنیاد واقعیت های منطقوی، نوع سیاست و چگونگی عملکردهایش را باز تعریف نموده، از صلح و سلم منطقوی، بگونه وسیعی حمایت و پشتیبانی بعمل آورده و در عین زمان در صدد رسیدگی بمشکلات سترا تریک و امنیتی خویش در صدد تعامل با کشور عزیز ما افغانستان می باشد.

قابل یاددانهایی پنداشته می شود که تا کنون هیچکدام از کشورهای آسیای مرکزی هم، حاکمیت کنونی "طالب" ها را بر سمیت نشناخته اند و اما مناسبات و مراودات دیپلماتیک و اقتصادی شان را با "طالب" ها همچنان حفظ نموده اند که مشابه تعامل دیپلماتیک پاکستان میباشد و این در حالیست که حاکمیت "طالب" ها از جانب پاکستان بر سمیت شناخته نشده اما ارتباط ها و مناسبات مشابهی با "طالب" ها دارد.

همراه و همزمان با نفوذ روسیه و چین و افزایش رو به تزاید تعامل های آنها با "طالب" ها، حاکمیت های سیاسی در کشورهای آسیای مرکزی، اصل گفتگو و مذاکره های سازنده را بمثابة ستراتیژی منطقوی، لازمی و ضروری میپندارند. پاکستان که بعنوان متحد کلیدی و همیشگی چین و بمثابة بازیگر مهم منطقوی پنداشته شده، بدلائل بسیاری در صدد تعامل با کشور عزیز ما افغانستان می باشد.

اما درین باره پرسشی بشرح ذیل مطرح می گردد که علل اصلی و عمده شکل گیری وضعیت موجود در کشور عزیز ما در چه نهفته می باشد؟

بسیاری از اشخاص و افراد علاقمند بمسایل کشور ما، وضعیت وخیم سیاسی - اقتصادی در افغانستان را نتیجه مستقیم اشغال ۲۰ ساله نظامیان امریکایی می پندارند. قابل یاددانهایی پنداشته می شود که سعی و تلاش در تحمیل ستاندردهای بیگانه ساختار نظام سیاسی سبب گردید تا وضعیت نهایت دشواری در میهن عزیز ما شکل گرفته و اوضاع خفقان آوری در کشور مسلط و حاکم گردد.

از جانب دیگر، بهیچوجه نمیتوان از مبدل گردیدن "داعش خراسان" بمثابة تهدیدی برای "طالب" ها و تخریش امنیت منطقوی طفره رفت. بر بنیاد گزارش هیأت معاونیت سازمان ملل در کشور (یوناما)، این گروه حضور خود را از محدوده پایگاه اولیه شان در شرق افغانستان تقریبین به تمام ۳۴ ولایت کشور گسترش داده است.

با اینهمه، تخمین های متفاوت و در عین زمان متناقضی در مورد تعداد گروه یادشده موجود بوده که بر بنیاد آن، تعداد تخمینی نفرات و جنگجویان آن را از ۳۰۰۰ - ۵۰۰۰ تن تخمین می نمایند.

عده ای هم چنین می پندارند که هم ایالات متحده و هم "طالب" ها از ذکر اشتباهات، کم کاری ها و کمبودی های شان طفره رفته و در مقابل، داستان پیروزی های خود را برخ دیگران می کشند.

یکشنبه ۸ ماه سرطان سال ۱۴۰۴ خورشیدی، برابریا ۲۹ ماه جون سال ۲۰۲۵ ترسایی